

این مطلب در شماره ۲۹۶۹ | پانزدهم شهریور ۱۳۹۹ |

در حالی که در جریان انتخابات ۲۰۲۰، ترامپ با شکست مواجه شد، اما در جریان انتخابات ۲۰۲۴، او با شکست مواجه شد. این امر نشان می‌دهد که ترامپ در طول این مدت، توانسته است تا حد زیادی نفوذ خود را در میان مردم آمریکا افزایش دهد. او با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و سخنرانی‌های پرتلاطم، توانسته است تا حد زیادی نفوذ خود را در میان مردم آمریکا افزایش دهد. او با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و سخنرانی‌های پرتلاطم، توانسته است تا حد زیادی نفوذ خود را در میان مردم آمریکا افزایش دهد.

شروین طاهری: سخنرانی‌های دونالد ترامپ به مناسبت چهارم جولای (روز استقلال ایالاتمتحده) از نگاه خیلی‌ها می‌تواند به نقطه فروپاشی ساختار سنتی یکی از ۲ حزب اصلی آمریکا تبدیل شود. او معترضان به نژادپرستی و سوءعملکرد دولتش را ترویج و آشوبگر و نازی خواند و هواخواهان عدالت اجتماعی را متهم به تلاش برای نابودی آن کشور کرد. سرنوشت حزب جمهوری‌خواه را به نمادهای دوران برده‌داری گره زد و قول برپایی مجسمه‌هایی را داد که در جای جای آمریکا در حال به زیر کشیده شدن هستند. در نهایت ملموس‌ترین تهدید برای اکثریت جامعه یعنی همه‌گیری کرونا را در شرایطی که آمریکا آلوده‌ترین کشور به ویروس «کووید-۱۹» با نزدیک به

۳ میلیون مبتلاست، بی‌خطر دانست. با چنین مواضعی نه‌تنها رئیس‌جمهور آمریکا از مرکزیت سیاسی که لازمه سکنداری حکومت بر جامعه بشدت متکثر ایالاتمتحده است، خارج شد، بلکه صلاحیت خود را هم به عنوان یک رهبر و قاعظرا زیر سوال برد. البته از نگاه بزرگان جمهوری‌خواه، این سخنان شاید نه فقط از سر حماقت ترامپ، بلکه نشانه‌ای خطرناک بود؛ از اینکه او در حال تنازع بقا در قدرت و در حالی که فاصله درصد آرایش در نظرسنجی‌ها با جو بایدن، نامزد دموکرات‌ها دو قطبی شده، به دو قطبی‌سازی پایگاه آرای حزب به نفع خود رو آورده است. به عبارت دیگر او همان‌طور که خودش گفته و ۴ سال پیش هم ثابت کرد، به آرای خاموشی‌رو ی آورده که از همه مراجع

سیاسی واشنگتن و ایالات پنجاه‌گانه برده‌اند و فقط او را به عنوان یک پانکی تمام‌عراج امرال خود می‌دانند. حتی اگر این آملام موجب به لجن کشیدن دموکراسی غربی، استفاده از ارتش برای سرکوب مخالفان و تهدید به اعدام معترضان شود. در چنین شرایطی فریاد مخالفت با رئیس‌جمهور از هر گوشه‌خانه‌فیل‌هایند شده‌است. نه فقط چهره‌هایی مثل میت رامنی، کسی که در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۲ آرای حتی بیشتر از ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶ آورده بود، هم‌نوا با آدم‌های پیشین خود ترامپ مثل جان بولتون و جیمز میتیس از ترامپ برای انتخابات ۲۰۲۰ سلب حمایت کرده‌اند، بلکه تیم بوش با همه نفوذی که در میان جمهوری خواهان محافظه‌کار و نومحافظه‌کار دارد، کارزار تبلیغاتی پرسر و صدا و پرزینهای با عنوان «پروژه لینکلن» را در تمام رسانه‌ها حتی فاکس نیوز، تلویزیون محبوب ترامپ آغاز کرده است.

در آمریکا هیچ‌کس به یاد ندارد آخرین بار چه زمان شورشی درون حزبی به این گستردگی علیه یک رئیس‌جمهور مستقر که برای انتخابات نزدیک نامزد هم شده باشد به راه افتاده باشد. در این صورت آیا فروپاشی حزب جمهوری‌خواه دور از ذهن است؟ حزبی که همانند کشورهایی که آمریکا آنها را دیکتاتوری می‌شمارد، در حال تبدیل شدن به تشکیلاتی یک نفره است و با تقلیل دادن پایگاه اجتماعی‌اش به سفیدهای مسیحی مسن‌تر و روستایی‌های ایالات میانی، حتی رو به تقلیل با موجودیت بخش مهمی از جامعه شهرنشین، مهاجران غیراروپایی، سیاهان و لاتین‌ها و اغلب جوانان نسل میلیونوم (هزاره) آورده است. تا پیش از روی کار آمدن دونالد ترامپ، حزب جمهوری‌خواه همیشه به خاطر یکپارچگی ایدئولوژیک درون‌ساختاری‌اش شهرت داشت؛ دست کم در قیاس با حزب دموکرات که طیف بسیار متنوعی از ایدئولوژی‌های مختلف و

سیاسی واشنگتن و ایالات پنجاه‌گانه برده‌اند و فقط او را به عنوان یک پانکی تمام‌عراج امرال خود می‌دانند. حتی اگر این آملام موجب به لجن کشیدن دموکراسی غربی، استفاده از ارتش برای سرکوب مخالفان و تهدید به اعدام معترضان شود. در چنین شرایطی فریاد مخالفت با رئیس‌جمهور از هر گوشه‌خانه‌فیل‌هایند شده‌است. نه فقط چهره‌هایی مثل میت رامنی، کسی که در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۲ آرای حتی بیشتر از ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶ آورده بود، هم‌نوا با آدم‌های پیشین خود ترامپ مثل جان بولتون و جیمز میتیس از ترامپ برای انتخابات ۲۰۲۰ سلب حمایت کرده‌اند، بلکه تیم بوش با همه نفوذی که در میان جمهوری خواهان محافظه‌کار و نومحافظه‌کار دارد، کارزار تبلیغاتی پرسر و صدا و پرزینهای با عنوان «پروژه لینکلن» را در تمام رسانه‌ها حتی فاکس نیوز، تلویزیون محبوب ترامپ آغاز کرده است.

در آمریکا هیچ‌کس به یاد ندارد آخرین بار چه زمان شورشی درون حزبی به این گستردگی علیه یک رئیس‌جمهور مستقر که برای انتخابات نزدیک نامزد هم شده باشد به راه افتاده باشد. در این صورت آیا فروپاشی حزب جمهوری‌خواه دور از ذهن است؟ حزبی که همانند کشورهایی که آمریکا آنها را دیکتاتوری می‌شمارد، در حال تبدیل شدن به تشکیلاتی یک نفره است و با تقلیل دادن پایگاه اجتماعی‌اش به سفیدهای مسیحی مسن‌تر و روستایی‌های ایالات میانی، حتی رو به تقلیل با موجودیت بخش مهمی از جامعه شهرنشین، مهاجران غیراروپایی، سیاهان و لاتین‌ها و اغلب جوانان نسل میلیونوم (هزاره) آورده است. تا پیش از روی کار آمدن دونالد ترامپ، حزب جمهوری‌خواه همیشه به خاطر یکپارچگی ایدئولوژیک درون‌ساختاری‌اش شهرت داشت؛ دست کم در قیاس با حزب دموکرات که طیف بسیار متنوعی از ایدئولوژی‌های مختلف و

سیاسی واشنگتن و ایالات پنجاه‌گانه برده‌اند و فقط او را به عنوان یک پانکی تمام‌عراج امرال خود می‌دانند. حتی اگر این آملام موجب به لجن کشیدن دموکراسی غربی، استفاده از ارتش برای سرکوب مخالفان و تهدید به اعدام معترضان شود. در چنین شرایطی فریاد مخالفت با رئیس‌جمهور از هر گوشه‌خانه‌فیل‌هایند شده‌است. نه فقط چهره‌هایی مثل میت رامنی، کسی که در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۲ آرای حتی بیشتر از ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶ آورده بود، هم‌نوا با آدم‌های پیشین خود ترامپ مثل جان بولتون و جیمز میتیس از ترامپ برای انتخابات ۲۰۲۰ سلب حمایت کرده‌اند، بلکه تیم بوش با همه نفوذی که در میان جمهوری خواهان محافظه‌کار و نومحافظه‌کار دارد، کارزار تبلیغاتی پرسر و صدا و پرزینهای با عنوان «پروژه لینکلن» را در تمام رسانه‌ها حتی فاکس نیوز، تلویزیون محبوب ترامپ آغاز کرده است.

بیتسه باید گفت بدون وجود رسانه‌های مثل شبکه فاکس نیوز که طبق نظرسنجی حدود دو سوم حامیان حزب جمهوری‌خواه را به عنوان مهم‌ترین منبع خبری تغذیه می‌کند، چنین طیفی قادر به ابراز وجود نبودند. می‌توان گفت با آنکه کمیته ملی جمهوری‌خواهان به ریاست «رونا مک دائل» برادرزاده میت رامنی (شاخص‌ترین نامزد جمهوری‌خواه پیش از ظهور دیده ترامپ) بشدت به رئیس‌جمهور وفادار مانده و او را به عنوان نامزد اصلی برای انتخابات آتی بدون رقیب نگاه داشته است اما در عین حال شبکه فاکس نیوز، به شدتتری جایگزین برای طیف ترامپست‌ها تبدیل شده است.

۲- ترامپ‌دوستان
بزرگ‌ترین جناح جمهوری خواهان همچنان از ترامپ حمایت می‌کنند اما سعی دارند استقلال نظرشان را هم درباره مسائل اساسی حفظ کنند. اگر هم انتقادی از او دارند با زبان ملایم بیان می‌کنند. با آنکه آنها در کمیته‌های پایین‌تر از ترامپست‌ها، رئیس‌جمهور را حمایت می‌کنند اما باید دانست جایگاهی نخبه و متفاوت از گروه اول دارند، چرا که آنها عمدتا در رأس ایالت‌های کلیدی برای جمهوری خواهان یا سناتور و نماینده آنها بوده‌اند یا در سناو خانه نمایندگان نقش رهبری داشته‌اند.

۳- محافظه‌کاران بدبین به ترامپ
این بخشی از همان جناح محافظه‌کار حزب هستند که عموماً از روز اول در کنار ترامپ بوده‌اند، اگر چه او را به

حتی متضاد را نمایندگی می‌کرده است. می‌توان رابطه علت و معلولی میان هرج و مرج تشکیلات جمهوری خواهان و به قدرت رسیدن غیرعادی‌ترین چهره در کاخ سفید را به هر دو صورت بررسی کرد. آیا ترامپ عامل به هم ریختگی درون حزبی است یا معلول آن؟

با آنکه شمار کسانی که معتقدند او «هلت» هرج و مرج بوده، بیشتر و آنچه در ظاهر امر رخ داده نیز ناظر بر همین دیدگاه است اما با تعمق در ریشه‌ها و رویکردهای جناح‌ها و طیف‌های تشکیل‌دهنده حزب جمهوری‌خواه، شواهدی دیگر بر سلا می‌شود. کمتر ناظری است

که اعتقاد داشته باشد این تاجر دهان‌گنده و زبان‌نغم‌تنبویورکی به عنوان نخستین رئیس‌جمهور در یک قرن و نیم اخیر که خود را از بیرون سلسله‌مراتب متعارف سیاسی و تشکیلات حزبی رسمی به جمهوری خواهان و سپس قوه مجریه تحمل کرده، سریع کرده باشد خود را با مناسبات موجود وفق دهد، بلکه برعکس، او با قراتت شخصی یا دست کم محفلی از سیاست و اقتصاد و هر موضوع دیگری، تلاش کرده در ۳ سال گذشته دستگاه حاکمه، بروکراسی و دموکراسی آمریکایی و بدنه «جی‌اوبی» (لقب حزب جمهوری‌خواه) را با تمایلات گاه بسیار متناقض خود منطبق کند. با این حال جای این پرسش جدی وجود دارد که ترامپ از کجا آمده و چه عواملی به او این قدرت را بخشید تا بدون برخورداری از سابقه کار سیاسی و تشکیلاتی و حتی پشتوانه نظری، در نخستین ماه‌های سال ۲۰۱۶ خود را

اندازه کافی محافظه‌کار نمی‌دانسته‌اند و بتدریج اعتمادشان را نسبت به او از دست داده‌اند.

اخیرا جرج بوش پسر، کالین پاول (وزیر خارجه او) و تد کروزر، سناتور بانفوذ و تعیین‌کننده ایالت تگزاس با اعلام عدم حمایت از ترامپ به این جناح پیوسته‌اند. از شاخص‌ترین چهره‌های دیگری می‌توان به سناتور رند پال، پسر و جانشین ران پال در کرسی ایالت کنتاکی اشاره کرد. دیگری جاستین اماش، نماینده میسیسیگان است که در جریان اشغال ساختمان فرمانداری (کپیتال) شهر شیکاگو در بحران بازگشایی پسا کرونا به فرامپ و توسط حامیان مسلح او، دچار اختلاف علنی با کاخ سفید شد. آنها در انتخابات آتی نقش کمزرتی ایفا می‌کنند و بیشتر این گروه را نظر به پره‌دازان تشکیل می‌دهند تا بازیگران مهم امی‌توانند با بهره‌گیری از نفوذشان در سنا و خانه نمایندگان به نفع ترامپ یا علیه او وارد عمل شوند. مثلا این طیف در آرای منفی کنگره برای توقف ساخت دیوار ترامپ که در تبلیغات انتخاباتی کارزار او در ایالت جنوبی اهمیت شایانی دارد، نقش داشتند.

۴- میانه‌روهای بدبین به ترامپ
مشهورترین آنها سناتور میت رامنی است؛ آخرین جمهوری خواهی که قبل از ورود ترامپ، نامزد انتخابات ریاست جمهوری شد و البته شکست خورد. آنها به وضوح در حال مخالفت با رئیس‌جمهور هستند و حتی رامنی

می‌تواند تأثیر خود را نشان دهند و روی باخت او دارد،

کند.

آنها طیفی هستند که از همان روز اول زیر بار رهبری ترامپ بر جی‌اوبی نرفتند. چارلی بیکسر (فرماندار ماساچوست)، لری هوگان (فرماندار مری لند) و بیل کریستول و جان کسبیج، ۲ فعال محافظه‌کار پیشین، جزو چهره‌های مطرح‌شان هستند. آنها کوچک‌ترین جناح محسوب می‌شوند اما در شرایطی که ترامپ در نظرسنجی‌ها عقب افتاده و نیاز به پیروزی میلیمتری در ایالت‌ها دارد، می‌توانند تأثیر خود را نشان دهند و روی باخت او دارد،

میهماتی جای ۱۶ دسامبر ۱۷۷۲ در پوستون به عنوان محفل اولیه شکل‌گیری حزب جمهوری خواهان در ایالاتمتحده قرن هجدهم میلادی اشاره دارد. جریانی بسیار متاخر است که سال ۲۰۰۹ به رهبری سارا پالین، برای جبران خلأ رهبری ناشی از پایان تاریخ مصرف خاندان بوش و نومحافظه‌کاران در این حزب و رقابت با باراک اوباما به راه افتاد. تی پارتی در حقیقت یک جریان اصلاحی درون حزبی برای احیای ارزش‌هایی است که جمهوری خواهان زمانی به آنها معتقد بودند اما تا امروز عمدتا ماهیتی اقتصادی و قانونی از خود بروز داده است و همین می‌تواند در شرایط آشفته اقتصادی امروز آمریکا برگ برنده آنها باشد. آنها تا حدودی موفق شدند نظر افکار عمومی را با چشم‌انداز احیای قانون اساسی، بدهی‌زدایی و ایجاد دولت چابک مرکزی با دولت‌های مقنن‌تر ایالتی (محلی) جلب کنند. در دوران پسا کرونا، خاددهایی مثل نظرات ضد نژادپرستی و ضدولتی، بروز اختلافات میان دولت‌فاران با دولت‌های ایالتی و موارد متعدد عدم اجماع بر قرائت قرآنی اساسی کاملاً به نفع تی پارتی بوده است که عمدتا چهره‌هایی مدرن آن را رهبری می‌کنند. به‌رغم حضور چهره‌های مشهورتری مثل سارا پالین و نیک هیلی در این طیف، آینده‌دارترین آنها تد کروزر است که ۳ ویژگی مهمش یعنی اصالت کاتولیک و لاتین به‌رغم اوانجلیست بودن، ارتباط تنگاتنگ او با نسل جدید جامعه اطلاعاتی آمریکا و همچنین رابطه نسبتاً خوبش با ترامپ، می‌تواند او را به عنوان یک بازیگر مهم در انتخابات ۲۰۲۰ و آینده سیاسی مطرح کند. نباید فراموش کرد که ترامپ، انتخابش در سال ۲۰۱۶ را تا حد زیادی مرهون سازو کار جمع‌آوری آرای شبکه‌های است که پشت سر آن گروه کمبریج آنالیتیک و همسر تد کروزر قرار داشتند.

۱- طیف سنت‌گرا
آنها بیشتر نظر به پره‌داز هستند تا بازیگر درون حزبی. ایدئولوژی طیف سنت‌گرا بر میراث فلسفه سیاسی آریستول و ادموند بورک بنا شده است و به نظر می‌رسد آنها هنوز ارزش‌های قدیمی محافظه‌کاران در دهه ۱۹۵۰ را بازتاب می‌دهند تا اینکه حرف جدیدی برای گفتن داشته باشند. به همین دلیل در عمل کاری جز انتخاب با جناح قوی‌تر ندارند.

۲- جناح میانه‌رو- لیبرال
این جناح دنباله میراث سیاسی بنیان‌گذاران ایالاتمتحده و سپس دموکراسی برخاسته از شمال شرقی

پنجشنبه ۱۹ تیر ۱۳۹۹

وطن امروز | شماره ۲۹۶۹

جهان

به عنوان جدی‌ترین نامزد حزب جمهوری‌خواه مطرح و سپس بخش اصلی ساختار حزب را پشت سر خود بسج کند؟ همچنین باید پرسید آیا این ترامپ بوده که صرفاً با اتکا به شخصیت تکرو و سرکش خود، جناح‌بندی‌های داخل حزب را که طی چندین دهه به وجود آمده بودند، در هم ریخته است؟

در هر حال امروز شاهدیم رئیس‌جمهوری که در پایان دوره نخست زمامداری‌اش احتمالاً پایین‌ترین میزان اقبال عمومی را برای دوباره انتخاب شدن دارد، به شکلی تقریباً باورنکردنی در حال یکپارچه‌سازی پایگاه اجتماعی اصلی حزبی است که خود در آن ریشه‌ای ندارد. در این راستا او با دامن زدن به دیدگاه‌هایی

یکجانبه‌نگرانه بزرگ‌ترین اکثریت جامعه آمریکایی یعنی سفیدپوستان مسیحی آنگلوکساکسون یاروپایی تبار، باعث بدینار شدن شکاف‌های فرهنگی و عقیدتی در تشکیلاتی به قدمت دست کم ۲ قرن شده‌است. آنچه طبقه حاکمه سفید بره‌ها در عنوان «حزب ارقنقدر قدیمی» و یکی از ۲ بال قدرت آمریکا بدان مباحث می‌کردند، امروز به شکلی عجیب بر مبنای علاقه و نفرت به ترامپ، دوری و نزدیکی به او یا منافع و مضار شراکت سیاسی با او تبدیل به اردوگاهی مشتت و مملو از دعواهای فرصت‌طلبانه شده که در آن ارزش هر یگان و هر فرد، نه مانند گذشته بر اساس خاستگاه و مواضع سیاسی‌اش، بلکه بر مبنای رویکردش به انتخابات کمتر از ۴ ماه دیگر تعریف می‌شود. در چنین وضعیتی ملاک و جایگاه حزبی نه میزان جمهوری خواهی، بلکه میزان ترامپی بودن یا نبودن است.

برای انتخابات ۲۰۲۰ از ترامپ سلب حمایت کرده و گفته ممکن است به نامزد دموکرات‌ها رأی بدهد.

کسانی مثل رامنی، سناتور سوزان کالینز، وایل هارد (نماینده تگزاس) و آدام کینزی‌نگر (نماینده ایلینوی) در واقع بازمانده از جناح میانه‌رو-لیبرال حزب بوده‌اند که حالا خود را نگران‌ترین طیف درباره آینده جمهوری خواهان معرفی می‌کنند و بعضاً درباره احتمال فروپاشی حزب بیم می‌دهند. میانه‌روها این دیدگاه را مطرح می‌کنند که اگر ترامپ بخش اقلیت حزب را نادیده بگیرد، نمی‌تواند رأی لازم را به دست آورد و همراه با حزب شکست سختی می‌خورد.

۵- ضد ترامپ‌ها

آنها طیفی هستند که از همان روز اول زیر بار رهبری ترامپ بر جی‌اوبی نرفتند. چارلی بیکسر (فرماندار ماساچوست)، لری هوگان (فرماندار مری لند) و بیل کریستول و جان کسبیج، ۲ فعال محافظه‌کار پیشین، جزو چهره‌های مطرح‌شان هستند. آنها کوچک‌ترین جناح محسوب می‌شوند اما در شرایطی که ترامپ در نظرسنجی‌ها عقب افتاده و نیاز به پیروزی میلیمتری در ایالت‌ها دارد، می‌توانند تأثیر خود را نشان دهند و روی باخت او دارد،

کند.

آنها طیفی هستند که از همان روز اول زیر بار رهبری ترامپ بر جی‌اوبی نرفتند. چارلی بیکسر (فرماندار ماساچوست)، لری هوگان (فرماندار مری لند) و بیل کریستول و جان کسبیج، ۲ فعال محافظه‌کار پیشین، جزو چهره‌های مطرح‌شان هستند. آنها کوچک‌ترین جناح محسوب می‌شوند اما در شرایطی که ترامپ در نظرسنجی‌ها عقب افتاده و نیاز به پیروزی میلیمتری در ایالت‌ها دارد، می‌توانند تأثیر خود را نشان دهند و روی باخت او دارد،

کند.

آنها طیفی هستند که از همان روز اول زیر بار رهبری ترامپ بر جی‌اوبی نرفتند. چارلی بیکسر (فرماندار ماساچوست)، لری هوگان (فرماندار مری لند) و بیل کریستول و جان کسبیج، ۲ فعال محافظه‌کار پیشین، جزو چهره‌های مطرح‌شان هستند. آنها کوچک‌ترین جناح محسوب می‌شوند اما در شرایطی که ترامپ در نظرسنجی‌ها عقب افتاده و نیاز به پیروزی میلیمتری در ایالت‌ها دارد، می‌توانند تأثیر خود را نشان دهند و روی باخت او دارد،

کند.

آنها طیفی هستند که از همان روز اول زیر بار رهبری ترامپ بر جی‌اوبی نرفتند. چارلی بیکسر (فرماندار ماساچوست)، لری هوگان (فرماندار مری لند) و بیل کریستول و جان کسبیج، ۲ فعال محافظه‌کار پیشین، جزو چهره‌های مطرح‌شان هستند. آنها کوچک‌ترین جناح محسوب می‌شوند اما در شرایطی که ترامپ در نظرسنجی‌ها عقب افتاده و نیاز به پیروزی میلیمتری در ایالت‌ها دارد، می‌توانند تأثیر خود را نشان دهند و روی باخت او دارد،

اگر تا دیروز، ساختار جی‌اوبی به طور کلی به ۳ جناح کلی محافظه‌کار، میانه‌رو و آزادی‌خواه تقسیم می‌شد (بخش پایین همین صفحه را ملاحظه کنید) حالا در واقعیت با جناح‌بندی‌های کاملاً مقطعی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ مواجه هستیم.

۵ انشقاق ترامپی یا ضد ترامپی حزب جمهوری‌خواه را «پری بیکن جونیور» تحلیلگر سیاسی تارنمای «فایو تری ایت» حدود یک سال پیش چنین ترسیم کرده بود:

۱- ترامپ‌ست‌ها (اوب‌شدگان به ترامپ)

آنها با آنکه بزرگ‌ترین طیف دسته‌بندی‌های مقطعی حزب نیستند اما مهم‌ترین هستند، چرا که از جایگاه حزبی منتقدان را می‌کوبند. عمده این جناح را نمایندگان و فرمانداران که‌مایه‌تر تشکیل می‌دهند که بهترین راه ترقی را رفتن زیر چتر رئیس‌جمهوری سفله و سفله‌پرور می‌بینند. آنها علنا به معیجز گوئی از ترامپ و اشتباهاتش می‌پردازند و مصراانه به منتقدانش حمله می‌کنند. کسانی مثل فرماندار کنتاکی «مت بوین» یا نماینده کنگره «مک گائتز» که بر سر سیاست‌های محافظه‌کارانه مثل مهاجرت‌ستیزی و حمله به نهادهای موازی حاکمیت با ترامپ اتفاق نظر دارند و در عین حال اختلافات احتمالی‌شان با کاخ سفید در زمینه سیاست خارجی احمقانه و روروازی تجاری فاجعه‌بار آمریکا در دوران ترامپ را پنهان می‌کنند

می‌تواند تأثیر خود را نشان دهند و روی باخت او دارد،

کند.

آنها طیفی هستند که از همان روز اول زیر بار رهبری ترامپ بر جی‌اوبی نرفتند. چارلی بیکسر (فرماندار ماساچوست)، لری هوگان (فرماندار مری لند) و بیل کریستول و جان کسبیج، ۲ فعال محافظه‌کار پیشین، جزو چهره‌های مطرح‌شان هستند. آنها کوچک‌ترین جناح محسوب می‌شوند اما در شرایطی که ترامپ در نظرسنجی‌ها عقب افتاده و نیاز به پیروزی میلیمتری در ایالت‌ها دارد، می‌توانند تأثیر خود را نشان دهند و روی باخت او دارد،

کند.

آنها طیفی هستند که از همان روز اول زیر بار رهبری ترامپ بر جی‌اوبی نرفتند. چارلی بیکسر (فرماندار ماساچوست)، لری هوگان (فرماندار مری لند) و بیل کریستول و جان کسبیج، ۲ فعال محافظه‌کار پیشین، جزو چهره‌های مطرح‌شان هستند. آنها کوچک‌ترین جناح محسوب می‌شوند اما در شرایطی که ترامپ در نظرسنجی‌ها عقب افتاده و نیاز به پیروزی میلیمتری در ایالت‌ها دارد، می‌توانند تأثیر خود را نشان دهند و روی باخت او دارد،

کند.

آنها طیفی هستند که از همان روز اول زیر بار رهبری ترامپ بر جی‌اوبی نرفتند. چارلی بیکسر (فرماندار ماساچوست)، لری هوگان (فرماندار مری لند) و بیل کریستول و جان کسبیج، ۲ فعال محافظه‌کار پیشین، جزو چهره‌های مطرح‌شان هستند. آنها کوچک‌ترین جناح محسوب می‌شوند اما در شرایطی که ترامپ در نظرسنجی‌ها عقب افتاده و نیاز به پیروزی میلیمتری در ایالت‌ها دارد، می‌توانند تأثیر خود را نشان دهند و روی باخت او دارد،

می‌تواند تأثیر خود را نشان دهند و روی باخت او دارد،

کند.

آنها طیفی هستند که از همان روز اول زیر بار رهبری ترامپ بر جی‌اوبی نرفتند. چارلی بیکسر (فرماندار ماساچوست)، لری هوگان (فرماندار مری لند) و بیل کریستول و جان کسبیج، ۲ فعال محافظه‌کار پیشین، جزو چهره‌های مطرح‌شان هستند. آنها کوچک‌ترین جناح محسوب می‌شوند اما در شرایطی که ترامپ در نظرسنجی‌ها عقب افتاده و نیاز به پیروزی میلیمتری در ایالت‌ها دارد، می‌توانند تأثیر خود را نشان دهند و روی باخت او دارد،

کند.

می‌تواند تأثیر خود را نشان دهند و روی باخت او دارد،

کند.

آنها طیفی هستند که از همان روز اول زیر بار رهبری ترامپ بر جی‌اوبی نرفتند. چارلی بیکسر (فرماندار ماساچوست)، لری هوگان (فرماندار مری لند) و بیل کریستول و جان کسبیج، ۲ فعال محافظه‌کار پیشین، جزو چهره‌های مطرح‌شان هستند. آنها کوچک‌ترین جناح محسوب می‌شوند اما در شرایطی که ترامپ در نظرسنجی‌ها عقب افتاده و نیاز به پیروزی میلیمتری در ایالت‌ها دارد، می‌توانند تأثیر خود را نشان دهند و روی باخت او دارد،

کند.